

شهر نو کابل در روشنی تاریخ

محل که امروز مربوط ناحیه دهم شهر کابل میباشد. شهرنو کابل است. مرکز شهرنو کابل چهاراهی حاجی یعقوب سینما پارک میباشد. که هر فرد کابلی اصیل از آن قصه های شریین دارند. شهرنو کابل دارای محلات مشهور میباشد که هر کدام قصه و تاریخچه دارد که عبارتند از : چهارراهی حاجی یعقوب یا پارک شهر نو، شیر پور، قلعه فتح اله، تایمنی، کلوله پشته، صدرارت، وزیر اکبر خان، قلعه موسی، چهار راهی طراعباس کوچه مرغها، سینما زینب، میرمنو تولنه چاراهی شهید، کوچه قصابی و غیره میباشد. که بعضی محلات به نسبت کثرت نفوس فعلاً از شهر نو جدا شده است.

در شهرنو کابل قبلاً محل زیست و گشت وگذار خاندان سلطنتی اولادهای اراکین بزرگ دولتی تاجران نامور بود. مردم و غیره که درین محل بود باش داشتند از زیستن در این محل کابل خیلی افتخار می نمودند. زیرا دکاکین که درین محل بود در دیگر جای کابل نبود. مثلاً دکان آیس کریم فروشی، کلپ بلیارد، نایت کلپ شبانه فروشگاه های لوازم آرایش، دکانها لوکس بوت لباس فروشی، رستوانتهای عصری با کباب و خوراکیهای لذیذ و غیره وجود داشت. که به قیمتت نسبتاً گزاف بفروش می رسانیدند. بعضاً مالهای اصل و خارجی درین دکانها بفروش رسانیده میشد. که در آنزمان برای مردم افغانستان خیلی جالب بود. در شهر نو دو سینما وجود داشت که هر دو سینما مردمان بی دریش را اجازه ورود به سینما نمی داد. وجود سینما پارک با نمایشات فلمهای کوبایی بعضاً ایرانی رونقی دیگر به شهر نو داده بود. فلم سلطان قلبها تا هنوز علاقمندان دارد. دولت برای دختران لیسسه را بنام زرغونه برای مردان لیسسه را بنام استقلال و فاتحه خانه زنانه را در پارک شهر نو اعمار نمود. جوش خروش شهر نو در زمان ظاهرشاه و داود خان بود. پس از سال ۱۳۵۷ که مردم به هرطرفی رفتند شهر نو از نام افتاده جای آنرا مکرویان اول یا مکرویان کهنه گرفت. تا آنکه در سال ۱۳۹۲ مکرویان اول تکه تکه و پارچه پارچه از طرف تنظیمهای اسلامی گردیده مردم آن به هر طرف هجرت نمودند.

تاریخچه اینکه چگونه شهر نو تهداب گذاری شد.

در زمان ظاهرشاه چند محل به مقصد خاص اعمار گردید که شهر نو ، کارته چهار و کارته مامورین بود. در کارته چهار همه دانشمندان مسکن اختیار نموده بودند . در شهر نو کابل خانواده سلطنتی و اراکین بزرگ دولتی که در کهنه کوچه های کابل زیست داشتن در شهر نو منتقل گردیدند. سنگ تهداب شهر نو از ساختمان های یک منزله آهن پوش که روبروی سینما زینب موقت داشت شروع شد. این ساختمانها را بنام کوتی های دولتی یاد نموده محل عصری تر از دیگر نقاط شهر کابل اعمار گردیده بود. کوتی ها الهی سرک پارک شهر نو ادامه داشت. خانه ها همه با خشت پخته اعمار گردیده داری تشناب آشپز خانه سالون و غیره بود. جالب اینکه آبرسانی آن از طریق نل بود. در مراحل اول در آنزمان نه دکانی بود نه سرک پخته نه بس بعضی ها راضی بودند بعضی فامیلها ناراض بودند . چنانچه شاروالی کابل یک باب کوتی را برای پدرکلانم فرقه مشر عبدالطیف خان داد. چون فامیل پدر کلانم از کوچه سردار جهانخان کوچ نموده به صحرا برده شده بودند برای مدت ۲۹ روز گریه وناله کردند که مارا عبدالطیف خان از قوم خویش جدا کرده به صحرا آورده است. ما کد کی قصه کنیم ده کجا نان پخته کنیم . تا انکه پدر کلانم دوباره به گنده کوچه کوچ نمود. شاروالی پس از مدتی کوتاه چندین دکان و یک نان بایی در روبروی سینما پارک ساخت . شخصی بنام حاجی یعقوب مسجد کوچکی را در نزدیک دکانها اعمار نمود. بعدا در دیگر کوچه ها سرک سازی شروع گردیده . بسهای موظف گردید که از شهر نو به سینما پامیر مسیرش بود.

در شهر نو قطعه عسکری بنام شیر پور ، میدان هوایی در وزیر اکبرخان قطعه عسکری بالای تپه کلوله پشته و بیتار خانه در پارک شهر بود . پارک شهر نو محل بود که اسب و حیوانات که در قطعات مریض میشد درین محل برای تداوی می آوردند. این محل منطقه نسبتا سرسبزی بود زیرا آخر آب جوی شیر به محل می ریخت . که بعدا به اساس همین آب در سال ۱۳۳۳ هجری شمسی پارک عصری بنام پارک شهرنو ساخته شد. دولت به عوض پارک شهر نو در جنب قطعه عسکری شیر پور شفاخانه حیوانات را ساخت که بنام خارنتون یاد می گردید. دوکتران آن همه تحصیل کرده ترکیه بودند. پس از مدتی شهرنو دارای سرکهای قیر ریزی شده ، بس شهری

دکاکین لوکس گردید. که شهر نور را از سایر نقاط متمایز گردانید. که دیگر بوی تعفن خندقهای گنداب تشنابهای سربازکهنه کوچه های کابل از نظر گم بود. سرکهای کلان و خانه های از هم دور شرایط را برای تنفس هوای لذت بخش مساعد گردانیده بود. بدین ترتیب شاروالی کابل (ریاست بلدیه) در سال ۱۳۳۶ تعمیر بزرگ را بنام مسجد حاجی یعقوب ساخت. که به نمای شهرنو اضافه شد.

چیز مهم که زندگی مردم شهرنواز دیگران فرق یافت و صاحب شهرت شد اینست که فرهنگ این مردم نیز تغییر نمود. مردم با دریشی از خانه خارج می شدند. زنها چادری را دور انداخته بودند. در خانه های بعضی شان تشاب های عصری ساخته شده بود. که دیگر نقاط کابل می گفتند که مردم شهرنو در تشاب شان کاسه های شیشه است رفع حاجت می کنند. در خانه سالون بالای کوچ و چوکی نشسته با قاشق پنجه نان می خورند. بعضی از کسان که به خارج سفر نموده بودند آراسته با دریش و نکتایی با زبانهای انگلیسی و فرانسوی صحبت می نمودند. تقریباً مردم این محل با پیراهن تنبان لونگی و چادری وداع نمودند. که مردم سایر نقاط کابل حسرت آنرا میخوردند. بعد از مدتی شاروالی توزیع زمین های عقب سینما زینب را شروع نمود. بعداً دیگر حصص را توزیع نمود.

موخذ

۱. قصه های از زبان مادرکلان و پدرکلان مرحوم فرقه مشر عبدالطیف خان قومندان حربی پوهنتون
۲. شهرنو در صفحه فیس بوک ارمان شهر

<https://www.facebook.com/armaanshahr/posts/302570193525598/>

۳. پارک شهر نو نوشته شامحمد محمود

<http://afghanistanefarda.blogfa.com/post/181>

۴. پارک شهرنو مکان خوب برای چرسوها

<https://www.jomhornews.com/fa/report/90018>

۵. شهرنو در ویکی پدیا انگلیسی

https://en.wikipedia.org/wiki/Shahr-e_Naw_Park

قلعه شیرپور یا شیر آباد:

قلعه شیرپور یا شیرآباد ؛ قبل از آنکه امیر شیرعلی خان آنرا اعمار نماید ؛ قلعه مستحکمی دیگر بود مستطیل شکل که به نام « چونی » شهرت داشت . این قلعه بیرون شهر به سمت شمال و متصل شرقی به جاده ی بود که به روستای بی بی مهر و وصل می شد.

موقعیت و مشخصات قلعه شیرپور:

شیرپور یا شیرآباد در شمال شهر کابل موقعیت دارد . ارتفاع آن از سطح بحر ۵۷۸۱ فُت میرسد . شیرپور در هنگام اعمار یک میل از مرکز شهر فاصله داشت. در سمت شمال کابل در موقعیت (بلند آب) و اطراف تپه بی بی مهر و ؛ امیر شیرعلی خان بنای شهری را گذاشت که منسوب است به شیرآباد یا شیر پور کابل . تاریخ بنا مصادف است به سال ۱۲۸۸ هـ ق = ۱۲۴۹ هـ ش = ۱۸۷۰ م . این بنا به مبلغ ۱۲ هزار روپیه کابلی و به کمک و مساعدت تمام عساکر و زمین داران اطراف کابل خرچ برداشت.

میرزا نورمحمد نوری قندهاری مؤلف (گلشن امارت) نوشته است ((غربا و اهل حرفت که از خزینه عامره محروم اند به نحوی فیض رساند که سبب جمعیت و رفاهیت ایشان گردد، لهذا معمار همت با سعادتش طرح شهری بر سر تپه بی بی مهر و که به طرف شمال شهر کابل واقع است ، انداخت و آن تپه ایست بس منیع و معماران چالاک دست را بر آن گماشت که هفت زرع سر آنرا تراشیده برکناره ها اندازند و چاه عمیق در آن کنده به آب یرسانند چون سر تپه صورت گیرد طرح عمارت شاهی که شبیه قصور جنان تواند بود بعمل آرند و زیر تپه یازار ها و محلات چهاونی سازند، و از زبان حق ترجمان این مینو به شیر آباد موسوم گردید از رأفت اعلیحضرت امیرشیرعلی ، غربای بی وسیله و اهل حرف بیچاره را وجوه وجه معاش از خزینه عامره بر سردست آمده که هر روز به قدر هزار نفر در آن کار کرده رزق شبانه به دست می آرند))

بعدهتر فیض محمد کاتب مؤرخ دربار امیر حبیب الله خان در سراج التواریخ اضافه میکند: اعلیحضرت امیرشیرعلی خان بعد از سفر انباله هند (۱۲۸۶ هـ ق = ۱۸۶۹ م) ناظر حسین علی خان که از طرف پدر پنجشیری و از طرف مادر از مردم سپاه

منصوران چنداول کابل و خادم اخلاص کیش و نمک خوار صداقت شعار
اعلیحضرت امیرشیرعلی خان بود، از حضور امیر احداث شهر جدید موسوم به
شیرپور به سمت شمال شهر کابل که به دور پشته بی بی مهر و بنا نهاده شده بود،
مهتم آن کار مقرر گردید و چند تن از افسران نظامی و بزرگان ملکی را برای تهیه
اسباب تعمیر بزیر دست ناظر مذکور گماشت و تمام افراد سپاه را به زیر دست
معماران و نجاران و غیره مامور نمود و ماه پنج روبیه اضافه از معاش مقرر
ماهوار افراد سپاه که هفت روبیه کابلی بود اجرت قرار داد و الی پنج سال هزاران
معمار و نجار و گلکار و آهنگر و مردم اجرت کار سوای افراد لشکر دیوار سمت
جنوب شهر و نصف از ضلع غربی و قدری از ضلع مشرقی را برافراشتند و موازی
پنجاه قلبه زمین که مساوی دوهزار جریب باشد برای عمارات سکنه شهر تعیین گردید
و تپه شیرپور محل عمارت پادشاهی قرار داده شد و دیوار سطری که توپ و فوج
برفراز آن گردش کند با بروج متعدد و دروب وسیعه امر افراشتن؛ صادر کرد و
طرف اندرون دیوار حصار به فاصله گردش فوج و توپخانه دیوار جداگانه و جای
اقامت افواج معین فرمود .

بعداً امیر عبدالرحمن خان در جوار دروازه شیرآباد که به دروازه سفید یاد میشد در
عمارت پیوست آن، مدتی اقامت گزید. مؤرخ معاصر کشور میر غلامحمد غبار مطالب
فوق را تایید نموده مینویسد : مدت پنج سال روزانه شش هزار نفر کارگر و تقریباً
یک هزار نفر معمار و نجار در تعمیر آن مشغول شدند اجرت استادان روزانه و از
کارگران (که عسکر بودند) ماهانه پنج روبیه اضافه بر اصل معاش شان نقد از
خزانه دولت پرداخته میشد، درحالیکه قبلاً، اعمار ساختمان ها و راه ها همه به شکل
اجباری (بیگار) بر دوش دهقان و سایر مردم تحمیل میگردد. این شهر در ساحه
دوهزار جریب زمین دورادور تپه بی بی مهر و با دیوار های خارجی و داخلی به بلندی
۲۰ فـت [بالای شش متر] و قشله نظامی اعمار گردید عرض دیوار ها مستعد گردش
توپ بود و گل آن در زیر پای فیل پخته میشد اما شهر هنوز آباد نشده بود و دیوار
های شرقی و غربی آن تکمیل نگردیده بود که حملات دوم انگلیس بالای افغانستان
آغاز شد و شیرپور ناتمام ماند تا اینکه به مرور زمان منهدم شد.

(شیرپور با استحکامات و قلعه ها و عمارات چون قلعه ، چاه آب در بلندی تپه بی بی
مهر و، کمپساری، شفاخانه، مسجد، برج های مراقبتی ، بارک ها و کاغوش ها)
استراحتگاه سربازان ، بازار و کانتین و دوازه ها « یکی از دروازه ها در هجوم
انگلیس بالای افغانستان بنام جنرال فردریک رابرتس نامگذاری شد . قرارگاه
رابرتس همچنان به دیوار غربی قلعه قرار داشت» خندق و کول آب وزیرآباد در

چهار اطراف قلعه ، و دو قلعه جداگانه در گوشه جنوب شرق قلعه شیرپور بین دریای کابل و قلعه متذکره ، و بالاخره زندان و غیره ملحقات مجهز بود.

بنابر شواهد اوراق تاریخی در سال ۱۸۷۹ م هنگام تجاوز دوم انگلیس بالای افغانستان شیرپور در اختیار انگلیس درآمد . تا اینکه در این جا محاصره گردیدند و مجبور به عقب نشینی گردیدند. بنابر بیان لودیک آدمک امیر حبیب الله خان در سال ۱۹۰۲ م شیرپور را با قصر امیر در پغمان توسط راه زیرزمینی اتصال داد اما به نظر میرسد که بین کاخ امیر در پغمان و کاخ امیر در باغ بالا اشتباه صورت گرفته باشد . فکر میکنم امیر میخواست شیرپور را با قصر امیر عبدالرحمن خان در باغ بالا با راه زیرزمینی وصل نماید و یا نمود. با تأسف امروز هیچگونه شواهد از آن راه زیرزمینی در دست نیست.

نویسنده: #شاه محمود محمود



وقتی نام "شهرنو" کابل را به زبان می آوریم، نا خود آگاه منطقه مرفه نشین کنونی کابل در ناحیه دهم با پارک مرکزی آن در ذهن مجسم می شود. اما در تاریخ معاصر افغانستان، اصطلاح شهر نو برای مناطق مختلف کابل در چندین مقطع زمانی بکار رفته است .

یکی از نخستین اقدامات برای ساختن شهر نو کابل توسط امیر شیر علی خان صورت گرفت. در سالهای دهه هشتاد قرن نوزدهم، امیر شیر علی خان تصمیم به ساختن شهر نو کابل گرفت و منطقه اطراف تپه بی بی مهرو را برای این هدف خود در نظر گرفت. برنامه شهر سازی شیر علی خان متأثر از روش های سنتی بود. شهر مورد نظر وی دارای حصار و برج و بارو بود و قرار بود قصر شاهی و تاسیسات نظامی برای گارد شاهی در بالای تپه ساخته شوند. بنابر سنت متداول آن زمان، شیر علی خان نام شهر مورد نظر خود را "شیر پور" یا شهر شیر (که نام خودش بود) گذاشت. برخلاف تصور عام، واژه "پور" گرفته شده از واژه پارسی به معنی پسر نیست؛ بلکه متأثر از پسوند هندی برای مکان است، مانند بیجاپور، کولاپور، و سنگاپور. شهر مورد نظر شیر علی خان در حدود چهارصد هکتار مساحت داشت، که مناطق اطراف تپه بی بی مهرو و وزیر اکبر خان کنونی را در بر می گرفت. برنامه ساختن شهر با ساختن برج ها و دیوار های اطراف آن، که هفت متر بلندی داشت، آغاز شد. بیشتر از شش هزار کارگر و حدود یک هزار معمار، نجار، و بنا برای مدت پنج سال مصروف کار ساخت و ساز دیوار های شهر بودند. دیوار های سمت شرقی، جنوبی و غربی تکمیل شده بودند؛ اما پیش از ساخته شدن بخش های دیگر این شهر، وضعیت سیاسی کشور بسوی بحران رفت که در نهایت منجر به جنگ دوم افغان - انگلیس شد و کار توسعه شهر شیرپور برای همیشه نا تمام ماند. دیوار های شهر نا تمام شیرپور در امتداد زمان ویران شدند و فروریختند، اما نام شیرپور بر بخشی از آن منطقه باقی ماند. امروزه محله شیرپور شهر کابل پر است از ساختمان های پر زرق و برق با شکل مسخ شده از سبک معماری پست مدرن وارد شده از پاکستان که در اصطلاح مهندسان به "کیک عروسی" مشهور است. شیرپور کنونی همچنان نماد از بی عدالتی اجتماعی و فساد گسترده در دستگاه دولت افغانستان است.